



## برای رسیدن به موفقیت از قوانین پیروی کنید

از قوانین پیروی کنید:

در سال ۳۵۰ قبل از میلاد، یعنی زمانی که مردم به خدایان کوه المپ، شانس، همزمانی رویدادها و قضا و قدر اعتقاد داشتند، ارسطو اصل علت و معلول را مطرح کرد.

او معتقد بود که هیچ رویدادی تصادفی نیست و یک رابطه ی علت و معلولی در همه ی رویدادها وجود دارد. حتی اگر ما این علتها را نشناسیم، باز هم وجود دارند.

هر چیزی که در زندگی پیرامون یا برای خودتان اتفاق می افتد، دلایل خاصی دارد که منجر به اثراتی می شود و این اثرات زندگی فعلی تان را شکل می دهد.

اگر می خواهید اثرات یا معلولها را تغییر دهید، باید دلایل یا علتها را تغییر دهید. اگر می خواهید خروجیها را عوض کنید باید ورودیها را تغییر دهید.

این قانون علت و معلول مبنای تفکر غربی است. این قانون اساس قوانین ریاضیات، علوم، فیزیک، پزشکی، فناوری، تجارت و جنگ است.

قوانین طبیعت، ذهن یا جسم، در صد درصد شرایط صادق هستند. مهم نیست درباره شان بدانید، با آنها موافق باشید، دوستشان داشته باشید یا اینکه در یک برهه ی زمانی خاص برایتان مناسب باشند.

آنها خنثی هستند. برای همه، در همه ی زمانها و در همه ی شرایط وجود دارند.

وظیفه ی اصلی معین است که آنها را بفهمیم و به خصوص اگر می خواهیم قوانین ذهن به نفع ما کار کنند، باید رفتار خود را با آنها هماهنگ کنیم.

۳ قانون مهم ذهن وجود دارد:

۱- قانون باور :



نخستین قانون یعنی قانون باور اصل اساسی همه ی فلسفه ها، ادیان، روانشناسی، ماورا الطبیعه و موفقیت است.

بر اساس این قانون، اگر با تمام احساسات و عواطف خود چیزی را باور داشته باشید، به حقیقت تبدیل می شود.



به قول وین دایر، هر چیزی را که می بینید، باور نمی کنید، بلکه چیزی را می بینید که قبلاً باور کرده اید. اگر باوری عمیق و طولانی مدت به چیزی داشته باشید، حتی اگر درست نباشد، چه منفی و چه مثبت به حقیقت می پیوندد.

**باورها آموختنی هستند:**

موضوع جالب درباره ی باورها این است که هیچکس با آنها به دنیا نمی آید، هر باوری که امروز درباره ی خود، دیگران و دنیا دارید، در جایی و زمانی از کسی آموخته اید.



منبع این آموخته‌ها هر چه باشد، وقتی آنها را باور کنید، به حقیقت زندگی تان تبدیل می‌شوند، زیرا برای شما حقیقت دارند.

هر فردی دو نوع باور دارد: مثبت و منفی. مضرتترین باورها برای موفقیت، باورهای محدود کننده است.

باورهایی که درباره‌ی خود و کسب و کارتان دارید و شما را محدود می‌کنند، عقب‌نگه می‌دارند و اغلب امیدتان برای موفقیت و پیروزی را تضعیف می‌کنند. باورهای محدود کننده‌ی شما کدامند؟

باورهای منفی یا محدود کننده چه واقعی و چه غیر واقعی، ترمزها یا موانع موفقیت هستند.



کشف بزرگ این است که اغلب باورهای محدود کننده، اصلا واقعیت ندارند و نتیجه‌ی حرف‌هایی هستند که شخصی به شما زده، مطالبی که جایی خوانده‌اید، در کلاسی شنیده‌اید یا در مسیر زندگی بدون فکر جذب کرده‌اید.

باورهای محدود کننده‌ی خود را به چالش بکشید:



برای این که از همه ی استعداد و توان خود استفاده کنید، باید باورهای محدود کننده ای که باعث عقب ماندگی تان می شوند را حذف کنید.

برای قدم گذاشتن به شاهراه پیشرفت و موفقیت فردی، باید همه ی باورها درباره ی محدودیت هوش، خلاقیت، توانایی ذاتی و شخصیت خود را دور بریزید.

باید خودتان بخواهید تفکراتی که مانع استفاده از همه ی توانتان می شود را کنار بگذارید.

## ۲- قانون جذب:

دومین قانون مهم که تعیین کننده ی رویدادهای زندگی است، قانون جذب است.

بر اساس این قانون شما یک آهنربای زنده هستید و قطعاً همه ی افراد، رویدادها و شرایطی که با تفکرات غالب شما (به خصوص تفکرات احساسی) هماهنگ هستند را به زندگی خود جذب می کنید.

هر چیزی که در زندگی امروز دارید، به خاطر شخصیت و فکرتان به خود جذب کرده اید. از آنجا که شخصیت و تفکر قابل تغییر هستند، می توانید زندگی تان را هم تغییر دهید. برای رسیدن به موفقیت از قوانین پیروی کنید





### تغییر تفکر، تغییر زندگی:

اگر می خواهید افراد، شرایط و فرصت های متفاوت یا شغل بهتر و درآمد بیشتر را به زندگی خود جذب کنید، باید تفکری که در آن زمینه نسبت به خود دارید را تغییر دهید.

یک اصل اساسی موفقیت می گوید، درآمد شما میانگین درآمد پنج نفری است که اغلب وقت خود را با آنها می گذرانید.

چرا؟ به این دلیل که به شدت تحت تاثیر اطرافیان مان هستیم. ۹۵ درصد تفکر یا احساس ما نسبت به خودمان و دنیای اطراف توسط افرادی تعیین می شود که مدام با آنها در ارتباط هستیم.

من با افراد بیشماری کار کرده ام که از شرکتی یا رئیس و کارمندان منفی به شرکتی با رئیس و کارمندان مثبت رفتند و زندگی کاریشان در عرض چند هفته دگرگون شد.

آنها از کارمندانی متوسط به ابرستاره تبدیل شدند و درآمدها چندین برابر افزایش یافت.

### ۳- قانون تطابق:

بر اساس سومین قانون مهم ذهن، زندگی بیرونی تان، آینه زندگی درونی شما است. بیرون بازتاب دنیای درونتان است.

به عبارت دیگر هر جا بروید، همان جا می رسید.

شما دنیا را آن طور که هست نمی بینید، بلکه دنیا را همانطوری می بینید که خودتان هستید.



یعنی در هر مرحله ی زندگی که به افراد، شرایط، درآمد و محیط اطراف خود نگاه کنید می بینید که همواره با زندگی درونیتان در آن زمان مطابق هستند.

وقتی افراد از زندگی بیرونی، کار یا روابط خود ناراحت و ناراضی هستند، رفتاری منفی مثل خوردن و نوشیدن مفرط یا ورزش نکردن را پیش می گیرند.

معمولاً وقتی افراد وارد رابطه ی جدید و شاد تری می شوند، رژیم می گیرند، ورزش می کنند و بیشتر مراقب سلامت جسمی خود هستند.

به آن فکر کنید و همان باشید:

یکی از مهمترین کشفیات درباره ی قدرت ذهن انسان این است که همان چیزی می شوید که اغلب به آن فکر می کنید.

اغلب به چه چیزی فکر می کنید؟ یافتن پاسخ ساده است. مواردی که افراد به آن فکر می کنند، یعنی معادل های ذهنی شان، همیشه در بیرون نمود پیدا می کند.



فقط کافی است به این افراد و اطرافش آن نگاهی بیندازید. معادل ذهنی چیزی را درون خود بسازید که می خواهید نمودش را در بیرون ببینید.

وقتی چنین کنید، کیفیت زندگی تان را به شدت بهبود می بخشید. این موضوع هیچ ارتباطی به فرصت یا شانس ندارد، بلکه به قانون علت و معلول مربوط است.

تمرین های عملی:

۱- یک باور محدود کننده و بازدارنده را مشخص کنید. آن را به چالش بکشید. تصور کنید حقیقت ندارد، در این صورت چه می کنید؟

۲- به زندگی بیرونی خود (کار و روابط) فکر کنید. آیا از زندگی خود راضی هستید؟ اگر پاسخ منفی است، چه باید کرد؟

« برایان تریسی »